مطالعات محیطی هفت حصار شماره بیست و هشتم/ سال هفتم/ تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۳۲-۱۹

بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی

تینا تجدد*، سیّد یحیی اسلامی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۱۴

چکیده

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می گردد، فراموش کرده است. همچنین عدم توجه به فرهنگ که سال ها تلاش پیشینیان بوده است، مسئله ایست که گریبانگیر وضعیت فعلی معماری معاصر ایران است. این پژوهش به بررسی ضرورت منطقه گرایی انتقادی در راستای توسعه معماری ایران می پردازد. هدف اصلی؛ اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه های منطقه گرایی انتقادی است. ابتدا به بیان مسئله و هدف پژوهش سپس به بیان مفاهیم نظری ادبیات پژوهش در قالب پیشینه پژوهشی پرداخته شده است. از نرم افزار SPSS در روش تحقیق استفاده شده است. درآخر، اصول معماری ایران از رتبه یک به آخر؛ بترتیب عبارت است از: خودبسندگی، درون گرایی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش. در بخش نتیجه با رتبه بندی اصول و ارزیابی رویکرد منطقه گرایی انتقادی مشخص گردید؛ خودبسندگی و درونگرایی بیشترین تأثیر و نیارش کمترین تأثیر را داشتند. این بدان معناست که دخالت منطقه گرایی انتقادی در بافت های تاریخی کمترین تأثیر و مانع از دیده منطقه گرایی انتقادی بوده و می توان با حفظ اصول فرهنگی و منطقه ای نگاهی جهانی داشت بدون اینکه سنت را به فراموشی سپرد.

واژگان کلیدی

معماری، منطقه گرایی، منطقه گرایی انتقادی، معماری ایران، اصالت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. tajaddoodti@gmail.com
** استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تینا تجدّد با عنوان "طراحی خانه فرهنگ اتحادیه با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی" با راهنمایی دکتر"سیّدیحیی اسلامی" در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

مقدمه

معماری مقوله ای فرهنگی است و محتملاً بی ارتباط با گذشته نیست (کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵). در نتیجه آنچه یک معماری را برای ساکنین بیگانه می کند، خدشه دار شدن اصالت فرهنگی و بومی آن است که طی سالیان متمادی شکل گرفته و به واسطه آن، مردم آن را متعلق به خود می دانند. به نظر می رسد ساخت و سازهای دهه های اخیر بدون در نظرگرفتن ارزش های فرهنگی، چهره شهر را برای ساکنین بیگانه نموده است. این در حالی است که، در سال های گذشته روند آرام تغییر شکل و نوسازی شهرهای تاریخی گذشته را عمدتاً معیارهای فرهنگی تعیین می کردند. این معیارها در طی زمان شکل می گرفتند و ابزارهای فنی اندک آن دوران تأثیر ناچیزی بر این روند داشتند(کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می گردد فراموش کرده است و همچنین دانشکده های معماری تحت تأثیر معماری های غربی بدون توجه به اصالت و ساختار ماهیت مکاتب، تلاش به تقلید صوری و سطحی نموده اند که موجب شده که معماری معاصر ایران حرفی برای گفتن نداشته باشد و همچنین عدم توجه به زمینه و بوم و فرهنگ که سال ها تلاش پیشینیان و اعتقادات بوده است؛ مسئله ایست که گریبانگیر وضعیت فعلی معماری معاصر ایران است و این همان نقد معماری پست مدرن به معماری مدرن بود(اقدامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲).

اما امروزه با توجه به فناوری‌های متنوع ساخت و فرهنگ محیطی منطقه که بنا در آن طراحی می‌شود، کم‌رنگ‌تر شده است و ساختمان‌ها با اشکال متنوع و بدون در نظر گرفتن بافت پیرامونی، از زمین سر بیرون می آورند. به طوری که نمی توان رابطه معنی داری را مابین ساختمان های جدید و بناهای با ارزش قدیمی و معماری قدیمی آن منطقه برقرار نمود(اقدامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲). در نتیجه این معنا افزایش می یابد که احساس تعلق به ساختمان های جدید چندان به چشم نمی خورد. از این رو، برای ارتقا و حفظ فرهنگ و هویت مردم یک منطقه، می بایست بدنبال راهکاری در معماری باشیم.

نگاه جهانی به اعتقادات محلی، معماری را صرف کالبد و عملکرد بیان می داشت(Tzonis, 1981: 164). در معماری علاوه بر اینکه نادیده گرفتن ملاحظات اقلیمی و فرهنگی محیط در قالب عدم توجه به مصالح بوم آورد و شیوه های ساخت محلی می تواند منجر به اتلاف انرژی های تجدید ناپذیر و مشکلات زیست محیطی گردد، می تواند زمینه ساز عدم مقبولیت قرار گرفتن بنا توسط جامعه شده و در مدت زمان منجر به تغییر شیوه زندگی در جامعه که سنخیتی با فرهنگ ندارد، گردد(Tzonis, 1981: 164).

این بدان معناست که؛ چنانچه بنایی با ملاحظات جهانی ساخته شود ممکن است موجب عدم پذیرش توسط جامعه و عدم هماهنگی و همساختی با الگو های جاری فعالیت و هنجار های جامعه و در نهایت ترک بنا توسط جامعه گردد. که گاهاً در سطح بالاتر منجر به تخریب حتی قبل از اتمام عمر مفید بنا گردد که این موجب اتلاف انرژی و هزینه می گردد که معمارانی چون آلتو، لوی کان و رایت در ابتدای مکتب مدرن به این موضوع توجه کردند (هلد، ۱۳۸۲: ۱۶). ولی واقعیت امر فراتر از این مسئله است نگرش مدرن دارای اشکالات ساختاری بوده و این مسئله تا حدودی به ماهیت جهانی آن باز می گردد(هلد، ۱۳۸۲: ۱۷).

منطقه گرایی انتقادی[1] به هیچ وجه به منظور احیاء معماری تاریخی نیست بلکه حتی به نو بودن و فن آوری تأکید شده است (Tzonis, 1981: 164). در این نگرش معماری با حفظ نگرش نوآورانه توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد. الکساندر زونیس و لیان لفور در مقاله ای ادعا می کنند؛ نیاز نیست که فرم ها از محیط اقتباس گشته و عیناً به همان شکل در اثر معماری انعکاس یابند، بلکه این فرم‌های آشنا می‌توانند به شکلی نوین و حتی ناآشنا در نگاه اول در بنا ظاهر شوند. هدف از بین بردن ماهیت لامکان سبک بین‌المللی[2] است(Tzonis, 1981: 164).

گستردگی و سرعت ارتباطات در دهه های اخیر نوعی آمیختگی و آمیزش فرهنگی را دامن زده است. فرهنگ ها بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده و معادلات دو قطبی گذشته که مرزهای فرهنگی را مشخص و از هم جدا می کرد؛ مانند ما و دیگران، خودی و غیر خودی، شمال و جنوب، به طور عمیقی رنگ باخته اند. از سوی دیگر، رویکرد منطقه گرایی در معماری بر حفظ ویژگی ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است(Tzonis, 1981: 164).

در این مقاله ابتدا ادبیات مربوط به منطقه گرایی را بررسی می کنیم؛ سپس به منطقه گرایی انتقادی می پردازیم. اصول رایج شناسایی شده در این پژوهش به کمک روش کتابخانه ای و پرسش نامه استخراج و به روش کولموگروف اسمیرنوف و ضریب هبستگی پیرسون و در آخر از آزمون فریدمن برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه گرایی انتقادی، که همه مربوط به نرم افزار SPSS[3] هستند؛ استفاده می‌گردد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

هدف پژوهش، اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه های منطقه گرایی انتقادی است. در این میان سؤال اصلی آن است که چگونه می توان پلی میان حفظ ارزش های گذشته و در عین حال معماری جدید و رو به فردا دست یافت؟ انعطاف پذیری ساختار نظری منطقه گرایی، می تواند متناسب با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، رابطه ی معماری و بستر فرهنگی را بازتعریف نماید.

روش تحقیق

متدولوژی تحقیق در مقاله حاضر از نقطه نظر هدف، کاربردی بوده، از لحاظ نوع تجزیه و تحلیل یک پژوهش کمّی و از نظر جمع آوری اطلاعات و داده ها، توصیفی و از شاخه پیمایشی دلفی می باشد؛ که هدف آن کسب اتفاق نظر از عموم و مخاطبین این پژوهش حول موضوع مقاله است. در این مقاله بدنبال مطالعه و بررسی رابطه منطقه گرایی انتقادی با اصول باززنده سازی معماری ایران در بافت های تاریخی در منطقه ۱۲ تهران بعنوان مطالعه موردی می باشیم.

سپس پرسشنامه ای ساختارمند، در مورد ارزیابی شاخصه های معماری اصیل در کنار ویژگی های منطقه گرایی انتقادی تنظیم گردید که برای عملیاتی کردن شاخص ها برای پاسخ ها نمره از ۱–۵ تعیین گردید. سپس نظر عموم و مخاطبین این پژوهش در مورد انتخاب نمره از فضای برتر با رویکرد احساس فضایی و کیفیت فضایی و احساس تعلق به مکان با اصالت گرد آوری گردید و نتایج حاصل از انتخاب فضای برتر، نشان از همبستگی بین پارامتر های دو اصول بود و در نهایت اصول منطقه گرایی انتقادی از جهت میزان برخورداری فضای برتر از آن اصول مورد استناد قرار گرفت و رتبه بندی گردید.

پیشینه تحقیق

مقاله «منطقه گرایی انتقادی» از منتقدِ بنام معماری کنت فرامپتون در سال ۱۹۸۳، عملاً تبلور ترکیب تمامی این لایه ها با یکدیگر و گذر آن ها از حوزه برنامه ریزی به معماری است. این مقاله پاسخی است به یکنواختی مدرنیته در مواجهه با تنوع اقلیمی و اجتماعی، روح مشترک در آثار معماران نزدیک به این گرایش، پاسخ به شرایط محلی بر پایه سنت های بومی با نیم نگاهی به مدرنیته است (Frampton, 1983).

پالمر در سال ۱۹۹۱، در مقاله ای درباره نظریه های کلاسیک منطقه گرایی چنین بیان نمود، منطقه بیشتر یک مفهوم جغرافیایی است و برحسب عامل جغرافیای سرزمینی و طبیعی تعریف می شود. به طوریکه جغرافیا یا زیست بوم تنها مخرج مشترکی است که کشورها یا مناطق فرعی را به هم پیوند می زند(Palmer, 1991).

هورل، در مقاله ای در سال ۱۹۹۵ بیان کرد؛ منطقه ای شدن بعنوان رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه شناخته شده است که به شکل گیری اصالت منطقه کمک می نماید. در این راستا نظریه های معناگرا بر خودآگاهی و اصالت منطقه ای، احساس مشترک تعلق داشتن به یک اجتماع منطقه ای و آنچه که منطقه گرایی شناختی نامیده می شوند، تأکید می کنند (Hurrell, 1995).

برگر در سال ۱۹۹۶، در مقاله ای درباره مرزهای معماری چنین بیان نمود؛ با توجه به تعریف نوین سرزمین بدون مرزهای جغرافیایی، تأکید بر عوامل غیرمادی در نظریه های منطقه گرایی افزایش و گسترش یافت. به طوریکه نظریه های معناگرا در حوزه مطالعات منطقه ای و منطقه گرایی ظهور کردند. در این نظریه ها به جای معیارهای عینی، جغرافیا و وابستگی متقابل مادی، بر ایده و انگاره های شناختی و ایستاری ناشی از فرآیند جامعه پذیری منطقه سازان و برسازی اجتماعی منطقه تأکید و تمرکز می شود (Berger, 1996).

میلر در سال ۲۰۰۲ بیان کرد؛ نظریه پردازان حکومت کلان شهری استدلال می کنند که باید بین نوع سیستم سازمانی و حکومتی یک شهر – منطقه با کلیت ارگانیک و قلمرو عملکردی آن انطباق وجود داشته باشد. عدم انطباق قلمرو سازمانی حکومتی محلی با قلمرو عملکردی شهر – منطقه ها را می توان عمده ترین چالش در اداره و حاکمیت این مناطق دانست (Miller, 2002).

زونیس و لفور در سال ۲۰۰۳ در مقاله ای بیان نمودند؛ وظیفه منطقه گرایی تجدید نظر درباره معماری با توجه به مفهوم منطقه است. این موضع به پیوندها و روابط انسانی، تعادل اکوسیستم و ماسیل حواشی زیست محیطی مربوط می شود (زونیس، لفور، ۲۰۰۳). مطابق نظر الکساندر زونیس و لیان لفور ، منطقه گرایی انتقادی به طور مستقیم از مفهوم "به جای عناصر رایج می توان از چهار چوب های ساده، اما در راه های ناآشنا استفاده نمود"، استخراج می شود (Tzonis, Lefaivre, 2003).

لارنس در سال ۲۰۰۳ درباره منطقه گرایی گفت؛ منطقه گرایی به جای اینکه مقدمه جهانی شدن باشد و نقش پلی بین ملی گرایی و جهان گرایی را ایفا کند، خود راهبرد و وضعیت مستقلی است که بین این دو قرار دارد و از هر دو متمایز و متفاوت است (Lawrence, 2003).

نسبیت در سال ۲۰۰۷ نظریه های پسامدرن در معماری بیان نمود؛ منطقه گرایی درپی تخریب مدرنیسم جهانی بوده و از پسامدرنیسم به جهت تقلیل معماری در نشانه هایی از ارتباط طراحی ساختمان با محیط بومی انتقاد می نماید (نسبیت، ۲۰۰۷).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

شولتز در سال ۲۰۰۷ در «مقاله ای تحت عنوان گزینه ای از معماری: معنا و مکان» بیان نمود؛ از زمان های دیرین ویژگی منطقه گرایی به عنوان حال و هوا شناخته شده است و ساختمان های تاریخی، گرچه به سبکی عام تعلق داشته اند اما معمولاً دارای حال و هوای محلی مشخصی بودند. بنابراین معماری به انسان کمک می کرد که خود را با روحیه ی مکان یکی بداند و به او حسی از تعلق و ایمنی دست دهد (نوربرگ شولتز، ۲۰۰۷).

شایان در سال ۲۰۰۸ در مقاله «معماری در زمینه ی بیگانه»؛ منطقه گرایی یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می کند (شایان، ۲۰۰۸).

ابل در سال ۲۰۰۸ در کتاب معماری و هویت بیان کرد که، منطقه گرایی تلاشی در جهت بازگرداندن آن چیزی به معماری است که مدرنیسم از معماری حذف کرده است. از طرفی تلاش برای حفظ، تداوم و بین اشکال ساختمانی فعلی با طراحی نوین از گذشته در مکانی فرضی است (ابل، ۲۰۰۸). حسینی در سال ۲۰۱۰ در مقاله تبیین و تدوین گرایش های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران چنین بیان کرد؛ منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه ای دال بر جغرافیا است (حسینی، ۲۰۱۰).

ادبیات نظری پژوهش

تاریخچه پیدایش منطقه گرایی

قدمت آگاهی از معماری منطقه ای به عنوان شاخصه ای برای اصالت گروهی خاص به یونان باستان برمی گردد. یونانی ها در متن سیاست کنترل و رقابت شهر رقابت در شهر ها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش اصالت گروه حاضر در یک منطقه استفاده کردند. معماری منطقه ای با ابتدایی ترین مفهوم آن یعنی توجه به شرایط و ویژگی های محلی، قدمتی به اندازه تاریخ تمدن بشر دارد و می توان ریشه های آن را در مکتوبات یونان باستان جستجو کرد؛ مشخص ترین مرجع طراحی منطقه گرا، «ده کتاب معماری» ویتروویوس است(Tzonis, 2003:11). تنوع معماری از دیدگاه ویتروویوس نتیجه ویژگی های فیزیکی، ذهنی و رفتاری مردم هستند (Eggener, 2002:228). همانطور که ویتروویوس می گوید : "اگر قرار است خانه های شخصی درست طراحی شوند، باید در ابتدا به سرزمین ها و اقلیم هایی که خانه ها در آن ساخته می شوند توجه کنیم" (ویتروویوس، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

عملکردگرایی مدرن به علت «وجه معنا شناختی گریز ناپذیر»ی که معماری واجد آن است، در ایجاد معماری «ماشین وار فاقد معنا» شکست خورد (نسبیت، ۱۳۸۹: ۱۳۵). مسئله اصالت، از زمان مدرنیته با عقل گرایی محض و انسان مداری مطرح شد. در این دیدگاه به مردم با فرهنگ های متفاوت به عنوان بشریت و یک کل برخورد گشت و نیازهای فرهنگی و اجتماعی نادیده گرفته شد (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). سبک پست مدرن سعی بر این دارد که باز دست به سوی نقاط اتکاء باقی مانده در زمینه های جامعه شناسی، روان شناسی و ایدئولوژی دراز کند و به آن ها قدرت بیانی در قالب فرم بدهد (گروتر، ۱۳۹۰: ۵۲۱).

از مهم ترین مسائلی که در معماری پست مدرن[۴] عنوان شد، توجه به منطقه، زمینه و بستر معماری می باشد. از دست رفتن خاصیت بومی از معماران مدرن، مورد انتقاد معماران انگلیسی قرار گرفت. در سمپوزیوم هنری سال ۱۹۴۸ به محدودیت های مدرنیسم از دیدگاه بنیان نمادین اشاره شد. در این سمپوزیوم[۵] « هنری راسل هیچکاک[۶] » این مسئله را عنوان کرد که آن قابلیتی را که معماری سنتی در بیان یادواره ای دارد، در معماری مدرن نمی توان یافت (جودت، ۱۳۸۴: ۸۱). بدین ترتیب بار دیگر نظریات منطقه گرایی جای خود را در معماری پیدا کرد. به زعم منطقه گرایان، توجه به مکان البته نه از دیدگاه معنی لغوی به نشانه جا، بلکه به عنوان مشخص کننده اقلیم، فرهنگ و ... از یک منطقه خاص است، از الزامات معماری است (جودت، ۱۳۸۴: ۸۱). ویژگی منطقه‌ای خاصیت هر معماری معتبر است. از آنجا که تمام ساختمان‌ها بخشی از اینجای معیّن را شکل می‌دهند، نمی‌توانند همه‌جا مانند هم باشند، بلکه باید ویژگی های خاصّ مکان معیّن را در بر داشته باشند" (شولتز، ۱۳۹۱: ۱۴۷). بدین ترتیب منطقه آن معماری هستند که با در نظر گرفتن پیشرفت های صنعت ساختمان سازی و دستاوردهای جدید در زمینه معماری، اصالت معماری هر منطقه را به زبانی نو و مدرن[۷] بازخوانی کنند (Kostof, 1990: 90).

مفهوم واژه منطقه

منطقه[۸] در لغت نامه دهخدا به معنای بخشی از کره زمین که مختصات مخصوص خود را دارد، تعریف شده است. اما در حقیقت این واژه، تعریف مبهمی دارد و ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه ها، ترکیب های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده های سیاسی رجوع کند. با این تعاریف، این تصور که میان منطقه و ملت و بین منطقه و مذهب نسبت مستقیمی وجود دارد؛ به ندرت مد نظر قرار می‌گیرد (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۱).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه ای دال بر جغرافیا است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیب‌های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده های سیاسی رجوع کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). "لوییس مامفورد[۹] از منطقه چنین تعبیر می کند که ما بین قاره و یک روستا فضایی وجود دارد که گاهی به مثابه دولتی وسیع و دیگر گاه بسیار کوچک است و آن منطقه انسانی است" (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۹: ۱۷).

منطقه گرایی

تعریف منطقه‌گرایی به تبع تعدّد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیفی وسیع و گاه متضاد را در برمی‌گیرد. در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه گرایی به حساب می آیند. منطقه گرایی نظریه ای است که از مقاومت در برابر صورت های مختلفی از برتری جویی، جهانی سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت های بومی را کاهش می دهند، حمایت می کند (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

منطقه گرایی، یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). این خصوصیات در نهایت، به معماری " حال و هوا " بخشیده و حس مکان را در مواجه با فضاها تقویت می کنند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰).

در عرصه معماری، منطقه گرایی را در گسترده ترین معنی آن می توان آموزه ای دانست که خواستار باز آمدن، باز آوردن است. منطقه گرایی در مقابله با هجوم یکسان سازی فرهنگی، علاوه بر انطباق با شرایط زیست بوم و اقلیمی، و تأکید بر طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت های محلی، توجه خود را براستفاده از نقش ها، نشانه ها، اجزاء و عناصری از معماری با ارزش فرهنگی و تاریخی معین معطوف داشت (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). طرفداران این نظریه عقیده دارند که معماری باید انعکاس دهندهٔ ویژگی های خودی بوده و مستقل از دیدگاه احساسی تعریف منطقه، سنت و تاریخ در یک کشور باشد (میر مقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۶).

بررسی منطقه گرایی با معرفی دو مفهوم امکان پذیر است: یکی «خصوصیات جامعه ای» و دیگری «امتزاج». خصوصیات جامعه ای، معرف ویژگی های جغرافیایی، آب و هوایی و شکل شناسی محل مزبور و رویه های اجتماعی هستند که به محلی خاص «حس مکان» و به یک محیط «ویژگی خاصی» می بخشد. امتزاج اشاره به روندی دارد که از خلال آن تجلی فرهنگ هر جامعه، با فرهنگ های موجود در منطقه ای خاص تأثیرات متقابل دارد و به این ترتیب این فرهنگ غنی شده و ترکیب های تازه ای را پدید می آورد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۹).

جدول ۱- دیدگاه نظریه پردازان پیرامون منطقه گرایی، منبع: نگارندگان

	اندیشمند	دیدگاه و اندیشه
تفاوت ها پیرامون مفهوم منطقه گرایی	هریس (Harris)	منطقه گرایی علاوه بر تأکید بر وجود ویژگی ها و تفاوت ها، به فرهنگ جهانی نیز نظر مثبت دارد. معماری منطقه گرا؛ گوناگونی، آزادی و بسط یافتگی را تصویر می کند.
	بری (Beri)	منطقه گرایی مبتنی بر مدارا و ملی گرایی مبتنی بر غرور است.
	نیوکام (Newcom)	اصلی ترین تفاوت منطقه گرایی و قوم گرایی در نگاه به آینده است.
	مامفورد (Mamford)	منطقه گرایان سعی دارند ویژگی های منطقه ای را با مؤلفه های جهانی نظیر فناوری و اندیشه های انتقادی پیوند زنند، منطقه گرایی چالشی در برابر ملی گرایان و سلطه دولت های ملی است.
	کنت فرامپتون Kenneth Frampton	معرفی منطقه گرایی به عنوان یک حد واسط بالقوه و غیرقابل بازگشت بین دو موقعیت سنت پست مدرنیست؛ یعنی نوگرایان و آوانگاردها (دیبا، ۱۳۷۹).
	ویلیام کرتیس William Curtis	منطقه گرایی اصیل(مدرن) توجه به مکان و فناوری، ترکیب آموزه های مدرن با سنت محلی.
	کن یینگ Ken Yung	برقراری پلی بین فناوری و فرهنگ (از طریق بیان ترکیب بندی سازه ها، زیبایی شناسی، سازمان بنا و جمع بندی فنی و مصالح به کار رفته در زمان و مکان معین).
	گیدیون (Gidion)	منطقه گرایی جدید: رویکردی خلاق به جای رویکرد رجعت گرا، حفاظت خلاق به جای تقلید یا حفاظت ایستا.
	الکساندر زونیس Alexander Zounis	هدف منطقه گرایی، حفظ تنوع و تفاوت در عین سود بردن از مزایای جهانی است. منطقه گرایی انتقادی: معماری باید معنا را برانگیزد، نه احساسات و هیجانات را.
	شولتز (Sholtz)	بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان (شولتز، ۱۳۸۲).
	اوزکان (Ozkan)	آنچه مورد مخالفت معماران منطقه گرا واقع شد مدرنیسم نیست؛ بلکه گرایش به سبک بین المللی است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

این رویکرد، دارای جایگاهی ویژه و سابقه ای دیرینه در سیراندیشه های معماری است. توجه به این ارزش ها در دوره های مختلف تاریخ معماری با افراط و تفریط هایی همراه بوده و با اهداف مختلفی دنبال شده است که گاهی به عنوان ابزاری برای برتری جویی و تثبیت اندیشه های تعصب گرایانه و ملی گرایی افراطی به کار رفته گاه به منظور تعدیل پیامدهای منفی دوره مدرن و در سال های اخیر در راستای مواجهه با پدیده جهانی شدن و یکسانی محیط مورد توجه قرار گرفته است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

منطقه گرایی، در زمان حاضر، می تواند بر جنبه های انعطاف پذیر و بازآفرینی خویش تأکید کرده و منطقه گرایی در واقع این نیست که از عناصر محلی قابل دسترسی استفاده کرد یا از شکل ساده ساختمان دیگری که متعلق به اجداد و نیاکان ماست، تقلید نمود، بلکه چیزی است که در جهت بهبودی قدم برمی‌دارد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۶). به تعبیر دیگر، مسئله اساسی امروز ما، توجه همزمان به، زندگی مشترک بین المللی و ویژگی های خاص محل است (Lang, 1997: 2).

رویکرد منطقه گرایی

رویکرد اصلی منطقه گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه های ویژه مکانی است. به عبارت دیگر از آنجا که انسان ها در عین تملک فرهنگ منطقه ای وارث و به وجود آورنده فرهنگی جهانی نیز هستند باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند (Frampton, 2000: 169). «منطقه گرایی رویکردی است در طراحی، که برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است» (Tzonis, 2003: 10). اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست.

منطقه گرایی به عنوان رویکردی که ردپای آن حتی در اقدامات سیاسی و مدنی یونان، روم و ایران باستان نیز قابل شناسایی است. از نیمه دوم قرن ۱۸ بود که با اقبال زیادی در حوزه معماری و شهرسازی رو به رو گشت و توجه بسیاری از نظریه پردازان و معماران را به خود جلب نمود؛ چرا که در این دوران تحت تأثیر نگرش رمانتیک حاکم، آرمان هایی همچون حفظ زبان و هنر فولکلور[۱۰] و بازگشت به ریشه ها رواج یافته و اصالت ملی به ابزاری جهت مقاومت دُوّل اروپایی در مقابل قدرت ماهر فرهنگی، یعنی فرانسه بدل گشته بود. عاملی که سبب می‌شد حفظ ویژگی های منطقه ای و بومی معماری در سرزمین بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱).

منطقه‌ای شدن، موضوعی فراتر از سبک‌گرایی و تزئینات است. منطقه‌گرایی اصیل به حرکت‌هایی اشاره می‌کند که بازتولید غیرمسئولانه بر اساس دستورالعمل های بین‌المللی را نپذیرفتند، و در جستجوی تداوم سنت‌های بومی هستند. شکی نیست که این حرکت‌ها، بازتابی از روحیه استقلال‌طلبی فزاینده در کشورهای جهان سوم پس از دوران استعمار است و چه بسا به عکس‌العمل فراگیرتری بر ضد الگوهای ساده‌انگارانه مدرنیسم مبدل شده است. در کنار واژه مکان که پیشتر به آن اشاره شد، منطقه‌گرایی نسبت به فناوری نیز توجه دارد (فروتن و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۷).

در این نگرش معمار و طراحان شهری یا حتی منظر، عوامل و فاکتور های زمینه را به دو دسته ی، عوامل اصلی و عوامل فرعی تقسیم می کنند، که خود تابع فاکتورهایی مانند موضوع طرح و زمینه طرح می باشد؛ میزان تأثیرگذاری آن ها تفاوت دارد. در این دیدگاه ، استمرار یا تداوم زمانی در اتصال گذشته با آینده نقش دارد. در این حالت به جای باور داشتن و پذیرفتن انقطاع تاریخی، گذشته آستانه ای برای ورود به آینده تلقی می شود. بهره گیری از اصول طراحی گذشته و ترکیب آن با اصول طراحی نوین، امکان توفیق این پیوند را میسر می سازد. در این شیوهی نگرش، نوآوری لزوماً نفی گذشته نیست، بلکه تکمیل گذشته است (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

جدول ۲- ویژگی‌های معماری منطقه‌گرا، منبع: نگارندگان

۱.	همساز شدن بناهای با ساختمان های پیرامون.
۲.	خرد کردن بناهای عظیم به قطعات ریز تر برای حفظ مقیاس انسانی.
۳.	استفاده از مصالح بومی سایت.
۴.	توجه به ویژگی های خاص هر مکان در کنار الزامات طراحی.
۵.	ریشه داشتن فرم بنا در سنت های موجود در سایت.
۶.	معماری در جست و جوی اصالت.
۷.	مبارزه جهت ابقاء سنت ها و ویژگی های فرهنگی ساکنان منطقه.
۸.	افزایش حسن تعلق به مکان با استفاده از الگوها و سمبل های بومی.
۹.	واسطه گری میان تمدن جهانی و بومی و محلی.
۱۰.	حفظ و ایجاد تداوم بین اشکال ساختمانی حال و گذشته.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

در چنین دیدگاهی بنا به مثابه عنصری تعاملی، پیوند دهنده بناهای متفاوت بـه لحـاظ تـاریخی و کالبـدی اسـت و از تضـاد شـکلی معمـاری دوره‌های مختلف می کاهد. چنین طراحی وحدت بخشی، قادر خواهد بود همه اجزا را به گونه ای به هم پیوند دهد؛ که بیننده شکافی ناگهـانی میان ساخت و ساز قدیم و جدید را نبیند. بنابراین زمان به خودی خود عامل انسجام و گسیختگی نیست و می تـوان از آن بـرای رسـیدن بـه اهداف گوناگون در طراحی کالبدی- فضایی استفاده کرد و نوآوری در طراحی را با حفظ استمرار زمانی در تنـاقض نمـی بینـد (تـولایی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

منطقه‌گرایی انتقادی

منطقه گرایی انتقادی، شاخه ای از معماری است که تلاش می‌کند تا با بی مکانی و نبود معنا در معماری مدرن از طریق به کارگیری نیروهای مبتنی برای به‌دست‌آوردن معنا و حس مکان مقابله نماید. این اصطلاح نخستین بار توسط الکساندر زونیس و لیان لفور و سپس توسـط کنـت فرامپتون مطرح شد و برای نشان دادن نوعی معماری معاصر بکارگرفته شد که نه برچسب بین المللی دارد و نه مفهوم فولکلوریک و یا مکـان و معماری تاریخی. این نگرش با نگرش منطقه‌گرایی که در پی به دست آوردن تناظری یک به یک با معماری بومی اسـت، متفـاوت اسـت و شکلی خاص از واکنش پست مدرنیسم در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید (دیبا، ۱۳۷۹، ۳۷).

از دیدگاه تئوری انتقادی باید به فرهنگی محلی نه تنها به عنوان چیزی توجه کنیم که نسبتاً تغییر ناپذیر است، بلکه بایـد بـه عنـوان رونـدی بدان نگریست که حداقل امروزی بوده و مستعد پرورش است. اساساً تداوم هرگونه فرهنگ واقعی درآینده نهایتـاً بـه ظرفیـت مـا بـرای تولیـد اشکال مهم فرهنگ های اصیل محلی بستگی دارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بنابراین حصول به منطقه گرایی انتقادی، متکی بر بهـره جـویی از ویژگی های محلی هم در درون و هم در بیرون شکل های ساختمان مدرن است. این امر به معنی بازگشت به ساختمان سازی سـنّتی نیسـت (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مقصود از "انتقادی" آن است که اثر در ترکیب خود برخوردار از ویژگی های نو و سنّتی است. در برخـی نظریـه‌هـا، بـا توجه به زمینه و توجه به تاریخ می توانند به شکل معناداری با هم تداخل کنند. کنت فرامپتون، آن نـوع از معمـاری را کـه در برابـر گرایشـی مقاومت می کند که می خواهد تفاوت ها فرهنگی را از میان ببرد و یک دستور زبان یکپارچه "معمـاری جهـانی"[11] بـه وجـود آورد، "منطقـه گرایی انتقادی" می خواند (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

کریستین نوربرگ شولتز در سطح منطقه گرایی جدید [انتقادی] بیشتر یک رویکرد خلاق است تا یک رویکرد نوستالژیک (شـولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). برخی از نظریه‌پردازان از این رویکرد با عنوان «منطقه گرایی جدید»، «منطقه گرایی اصیل» و ... یاد می‌کنند، که این تفاوت اسامی به معنـی تفاوت دیدگاه ها نمی باشد و تمامی این مفاهیم همان دیدگاه خردگرا و انتقادی به معماری منطقه گرایی را دنبال می کنند (شـولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). منطقه گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون یکی از رویکردهای معماری در جهت پیوند بین ویژگی‌های بومی منطقه با مفـاهیم جهـانی است که بر اساس ده اصل زیر توسط کنت فرامپتون مطرح شده است (دیبا، ۱۳۸۶: ۳۷).

جدول۳- ده اصل منطقه گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون، منبع: (دیبا،۱۳۸۶)

	خلاصه
۱	ناحیه گرایی، بوم گرایی نیست.
۲	معماری مدرن یک سیاست فرهنگی و کارکردگرایی است.
۳	مفهوم ناحیه: ایجاد مکتب فرهنگ محلی به وسیله مخاطب متعهد است.
۴	رسانه‌ها موجب مخلوط شدن واقعیت با توهم (خیال) و التقاط انگاره‌های ذهن مخاطب شده اند.
۵	توسعه مدرن یعنی تکثیر یک حوزه جهانی و خصوصی و بی مکان که فاقد حوزه مدنی است. ←(تضاد بین نوع شناسی و مکان نگاری)
۶	آرکیتکتونیک یا تکنولوژی، بایستی نشان دهد که چگونه تخصص با طبیعت نه تنها از جنبه ثقل بلکه از لحاظ پایداری در گذر زمان و تحت تاثیر اقلیم تعامل دارد.
۷	معماری بایستی پاسخگوی تمام نیازهای طبیعت باشد.
۸	معماری باید به وسیله حس های دیگری به جز حس بینایی درک شود، که این در تضاد با منطق گرایی (خرد ورزی) است که در دوران رنسانس شروع شد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

۹	حس مکان	
۱۰	پسامدرن ها دو دسته اند:	الف) سنت گراها ب) معتقدین به ادامه مدرن سازی
	ناحیه گرایی با هر دوی این ها در تناقض است. به این معنا که فرهنگی مخالفتی که از قراردادهای سبک شناختی مرسوم فاصله می‌گیرد (معماری مکان به جای معماری فضا).	

بنابراین تئوری راهبردی است که در تحصیل معماری انسانی‌تر درمقابل تجرید های جهانی و کلیشه های بین المللی به زعم فرامپتون، معماران در ساختمان‌هایشان می باید بیشتر به دنبال تنوع های منطقه ای باشند تا طراحی به شیوه یک دست و یک رنگ جهانی که مبتنی است بر فرهنگ برآمده از اشکال و شمایل های مصرف گرا. معماران باید به تلفیق تأثیر تمدن جهانی و درونمایه‌های برآمده از خصوصیات یک مکان ویژه بپردازند. او طرفدار احیای سبک های بزرگ و تاریخی یا تحقیر گونه های ساختمانی بومی نیست. فرامپتون کارهای آلتو و اوتزن، کان و برخی دیگر معماران را نمونه‌هایی از منطقه گرایی انتقادی برشمرد که در آن ها امر محلی و امر جهانی با هم ترکیب شده بودند (نسبیت، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

اصول منطقه گرایی انتقادی

منطقه گرایی انتقادی از گرایشات سبک پست‌مدرنیسم و بعد از رویکردهای زمینه گرایی در راستای توجه بیشتر به بافت و زمینه طرح در سال ۱۹۸۳ توسط کنت فرامپتون در چهارچوب اصولی مطرح گردید. ضرورت چنین نگرشی قبل از فرامپتون توسط زونیس و لفور تا حدودی بیان شده بود. این رویکرد برخلاف پست مدرنیسم ضد تاریخ گرایی و ارجاع مستقیم به معماری گذشته می باشد. بر طبق نظرات کنت فرامپتون، منطقه‌گرایی انتقادی می بایست به صورت انتقادی معماری مدرن را بخاطر کیفیت های پیشرونده جهانی اش به خدمت بگیرد اما همزمان به ویژگی‌های خاص زمینه احترام بگذارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

جدول ۴- اصول منطقه گرایی انتقادی ، منبع: نگارندگان

زونیس و لفور	فرامپتون	کرتیس	کلباو
رابطه دیالکتیک تمدن جهانی با سنت‌های بومی منطقه	تعامل تمدن جهانی با فرهنگ‌های منطقه‌ای	ترکیب وجوه مثبت زندگی شهری و روستایی	توجه به مکان
پرهیز از جریان‌های واپسگرا و عوام‌فریبانه	پرهیز از رویکردهای نوستالژیک و یا صرفاً زیبایی شناختی	توجه به اصول و الگوهای ساختمانی بومی	تعامل با طبیعت
التزام به مکان	طراحی مکان	پاسخگویی به شرایط محیطی	توجه به تاریخ
بهره گیری از الگوهای	بومی توجه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی بستر	بهره گیری از دستاوردهای مثبت مدرن و سنتی	بهره گیری از الگوها، مصالح و شیوه های ساختمانی بوم
اتخاذ موضع انتقادی	توجه به الگوهای معماری بومی		
	معماری برای تمام حواس		توجه به محدودیت ها
	توجه به باورهای فرهنگی منطقه		

زونیس و لفور، در گفتگویی تحت عنوان- چالش پایان‌ناپذیر منطقه‌گرایی- می‌گویند "سعی بر تأکید ویژگی‌های فرهنگی ما، اصلاح منطقه‌گرایی را بکار می‌گیریم. منطقه گرایی نه مفهومی تازه بود و نه توسط این معماران گفته شد. ما آن را بعد از مدتی به عنوان احترامی برای معمارانی در نظر گرفتیم که در راه سومی سعی در ساختن بناهایی داشتند که از خصوصیات ارزشمند یک منطقه استفاده می کردند (Tzonis & Lefaivre, 1981: 25). جنبه انتقادی بر ویژگی های مشترک معماری تأکید داشت که زمان خود را در نظر نمی گرفت. فرامپتون در نظریات خود یکسری اصول کلی را برای معماران ارائه داده است که این اصول به صورت دوتایی و به نوعی متضاد هم می‌باشند که به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

نحوی اشاره به جنبه انتقادی بودن رویکرد منطقه گرایی انتقادی دارد. نکات و اصول به صورت مختصر بر اساس نظرات فرامپتـون در جـدول زیر ذکر گردیده است:

جدول۵-منطقه گرایی انتقادی برای تحلیل معماری، منبع: نگارندگان

معماری کَراندار به دنبال پیوستگی بین فرم ساخته شده از نظر فیزیکی و ارزش های فرهنگی است.	A Bounded Architecture versus a Free - Standing Object
تقلیدهای احساسی و کپی‌برداری از اشکال معماری بومی را به جـای تفسـیر مـردد چنـین فـرم‌هـا و ترکیبشان با عوامل موثر دیگر را به چالش می کشاند.	Architectonic versus Scenography
نشان می دهد که معماری می بایست با مکان دیالوگ برقرار کند و بـه ویژگـی هـای کالبـدی یـک منطقه پاسخ دهد.	Climate and Local Conditions
محیط اطراف می تواند با سایر حواس درک شود؛ تا صرفاً توسط بینایی تنها باشد.	The Visual versus the Tactile

اصول معماری ایرانی

اصول معماری ایرانی را می توان به پنج دسته تقسیم کرد: درونگرایی، پرهیز از بیهودگی، مردم واری، خودبسندگی، نیارش.

درونگرایی: اصولاً در ساماندهی اندام های گوناگون ساختمان و به ویژه خانه های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بـوده اسـت. یکـی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درون گرا سـاخته اسـت. معمـاران ایرانـی بـا سامان دهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می کردند و تنها یک هشتی این دو را بـه هم پیوند می داد. خانه های درون گرا در اقلیم گرم و خشک ، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا ماننـد آغـوش گـرم بسـته است و از هر سو رو به درون دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۳۵).

پرهیز از بیهودگی: در معماری ایرانی تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل مهـم هـم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات می‌شده‌است. در قرآن آمده مومنان، آنانکه از بیهودگی روی گردانند. اگر در کشورهای دیگر، هنرهـای وابسته به معماری مانند نگارگری (نقاشی) و سنگتراشی، پیرایه (آذین) بشمار می‌آمده، در کشور ایران هرگز اینگونه نبوده‌است. گره‌سازی با گچ و کاشی و خشت و آجر و به گفته خود معماران، آمود و اندود، بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۳۴).

اگر نیاز باشد در زیر پوشش آسمانه(سقف) پنام(عایق)ی در برابر گرما و سرما ساخته شود یا افراز بنا که ناگزیر پر و پیمان است و نمی‌تواند به دلخواه معمار کوتاهتر شود، تنها با افزودن کاربندی می‌توان آنرا کوتاهتر و باندام و مردم‌وار کرد. اگر ارسی و روزن با چوب یا گچ و شیشه‌هـای خرد و رنگین گره سازی می‌شود برای این است که در پیش آفتاب تند و گاهی سوزان، پناهی باشد تا چشـم را نیـازارد و اگـر گنبـدی از تیـزه (معماری ایرانی) تا پاکار با کاشی پوشیده می‌شود تنها برای زیبایی نیست. وانگهی باید واژه زیبا به معنای زیبنده بودن و تناسب داشتن است و نه قشنگی و جمال (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۳۴).

مردم واری: مردم واری به معنای رعایت تناسب میان اندام های ساختمانی با اندام های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است و در ایران بیش از هر جای دیگر. در ایران هم مثل مکان های دیگر، معماری هنری وابسته به زندگی است. چنانکه در هـر زمـان روش زندگی بوده که برنامه ریزی کار معماری را پی ریخته است (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۲۶).

معمار ایرانی بلندای درگاه را به اندازه بالای مردم می گرفته و روزن و روشندان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو مـاه را بـه انـدازه دلخواه به درون سرا می آورد. پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر است و افراز طاقچه به اندازه ای است که نشسته و ایستاده بـه آسـانی در دسترس باشد و از طرفی تالار که مخصوص مهمان اسـت بـه انـدازه‌ای پهنـاور و باشـکوه بـوده کـه شایسـته پـذیرایی باشـد مـردم‌واری در اندام(فضا)های ساختمان و اجزا آن چنین نمایان می‌شود که برای نمونه اتاق سه دری که بیشتر برای خوابیدن به کار می‌رود، به اندازه‌ای است که نیاز یک خانواده را برآورده کند. اجزایی چون در و پنجره ، تاقچه، رف و نیز پستویی که برای انبار رختخـواب بکـار مـی‌رفتـه انـدازه‌هـایی مناست داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۲۷).

روزن بالای پنجره یا گلجام معمولاً دارای شیشه‌های رنگی به رنگهای زرد و لیمویی و آبی بوده که این شیشـه‌هـا را از غرابـه‌هـای شکسـته بدست می‌آورند. برای جلوگیری گرما به درون، از ارسی بهره می‌برند یا دیوار آسمانه(سقف) را دو پوسته می ساختند تا لایه پنام (عایق) جلوگیر

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

گرما باشد. اگر خوابگاه ایرانی اندازه‌ای خرد و درخور گسترش یک یا دو بستر داشته، در برابرش تالار و سفره خانه ای باشکوه و پهناور بوده است. اگر خوابگاه خرد بوده، از آن خداوند خانه بوده و شایسته نبوده که بیگانه‌ای به آن راه یابد، اما تالار، باید که شایسته پذیرایی مهمان گرامی باشد (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۲۷).

خودبسندگی: معماران ایرانی تلاش می کردند مصالح مورد نیاز خود را از نزدیک ترین نقاط ممکن به دست آورند و ساختمان ها را چنان می‌ساختند که نیازمند به مصالح جاهای دیگر نباشد و تنها به خود اکتفا کنند. به این ترتیب کار ساخت و ساز با شتاب بیشتری انجام می‌شد و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازگارتر بود و هنگام بازسازی و نوسازی نیز همیشه مصالح در دسترس است. معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمایه باید"بوم آورد" یا "ایدری"(اینجایی) باشد.به گفته دیگر فراورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می‌شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری شود. برای نمونه در ساخت تخت جمشید، بهترین سنگ را از یک کان (معدن) در نزدیکی دشت مرغاب بدست می‌آوردند و با ارابه‌های چوبی به تخت جمشید می‌رساندند. این سنگ را بیشتر برای روکش دیوارهای ستبر خشتی بکار می بردند. فرآوردن خشت نیز کار بسیار ساده ای بود (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۳۰).

نیارش: واژه نیارش در معماری گذشته ایران بسیار به کار می رفته است. نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمایه(مصالح) شناسی گفته می شده است. معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می کردند و آنرا از زیبایی جدا نمی دانستند. آن ها به تجربه، به اندازه هایی برای پوشش ها و دهانه ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه نیارش بدست آمده بود (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۲۹).

«پیمون» اندازه های خرد و یکسانی بود که در هر جا در خور نیازی که بدان بود بکار گرفته می شد (پیرنیا، ۱۳۸۳ :۲۹).

یافته ها

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق مردم منطقه ۱۲، مردم محله فردوسی، لاله زار و جوانان بین رده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال؛ در سال ۱۳۹۷ می‌باشند. کلیه اطلاعاتی که برای محاسبه استفاده گردیده است، براساس پاسخ جامعه آماری ذکر شده می باشد. تعداد نمونه بر اساس تخمین حدودی جامعه آماری (۴۶۰ نفر) و با استفاده از جدول مورگان برابر ۲۱۰ پرسشنامه تعیین شده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ابتدا برای بررسی نرمالیته بودن پراکندگی داده ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده و برای تعیین رابطه یا عدم رابطه معنادار فرضیه‌های تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برای تعیین رابطه فرضیه‌ها (درون‌گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی) بعنوان متغیرهای مستقل با منطقه گرایی انتقادی بعنوان متغیر وابسته، از روش معادلات ساختاری PLS استفاده شده است. در نهایت برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه‌گرایی انتقادی در این تحقیق از آزمون فریدمن استفاده می‌گردد.

آزمون نرمالیته توزیع نمونه

برای آزمون فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق (درون گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی)، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول۶- آزمون کولموگروف – اسمیرنوف، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

	درون گرایی	نیارش	خود بسندگی	مردم واری	پرهیز از بیهودگی
Kolmogorov-Smirnov Z	۳۶۶۵۵	۳۶.۳۶	۳۶۴۰۷	۳۶۹۲۲	۳۶۶۴۳
Sig.(2-tailed)	۰۶۰۰۴	۰۶۰۵۱	۰۶۰۶۹	۰۶۰۸۰	۰۶۰۵۳

با توجه به مقدار سطح معنی داری بیشتر از ۵٪ برای هر یک از متغیرهای تحقیق، فرض نرمال بودن توزیع نمونه رد نگردید.

ضریب همبستگی پیرسون

برای تعیین ضرایب رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل تحقیق با منطقه گرایی انتقادی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که کلیه متغیرها با راهبردهای فراشناختی دارای رابطه معنی دار در جهت مستقیم بوده و این رابطه با ۹۹٪ اطمینان تأیید می گردد. نتایج آزمون در جدول شماره دو ارائه گردیده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

جدول ۷- ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه های مستقل و وابسته، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

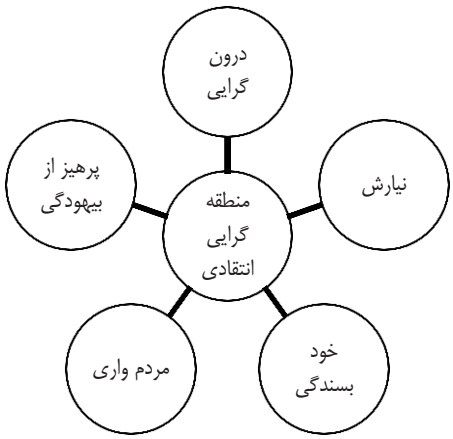
نتیجه آزمون	Sig	ضریب همبستگی	
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۳	۰۶۳۶۹۵۸۶	درون گرایی
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۱	۰۶۰۱۶۷	نیارش
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۰	.۰۶۳۱۲۳	خود بسندگی
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۳	۰۶۳۰۶۲۸۸	مردم واری
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۴	۰۶۰۹۲۲۹۷	پرهیز از بیهودگی

تحلیل و بررسی یافته‌ها

آنالیز فاکتور برای متغیرهای تحقیق

در این قسمت از روش آنالیز (تحلیل) فاکتور بر مبنای روش جدید و پیشرفته معادلات ساختاری VPLS (حداقل مربعات جزیی) به منظور تحلیل و بررسی ضرایب و رابطه متغیرهای تحقیق، برآورد ضرایب متغیرهای تحقیق و تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرها بر یکدیگر، استفاده می گردد. نمودار گرافیکی زیر خروجی نرم افزار VPLS که محتوای ضرایب متغیرها و معناداری آن ها (آماره t) می‌باشد، در شکل شماره یک ارائه گردیده است، در آورده شده است.

مقدار ضریب تعیین (R= 06984) می باشد و نشان دهنده این است که با تقریب ۸۹٪ تغییرات متغیر وابسته (منطقه گرایی انتقادی)، با متغیرهای مستقل (درون گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی)، در این تحقیق تبیین و توضیح داده می شوند. در جدول شماره سه ضریب تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین آماره t جهت بررسی معناداری متغیرها درج شده است.



شکل ۱- معادلات ساختاری نرم افزار VPLS ، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

جدول۸-برآورد ضرایب مدل، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

نتیجه	تی – استیودنت	برآورد ضرایب مدل	
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۳.۸۸۸	۰.۲۶۰	منطقه گرایی انتقادی ⟶ درون گرایی
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴.۱۶	۰.۱۵۵	منطقه گرایی انتقادی ⟶ نیارش
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۳.۸۱	۰.۲۹۴	منطقه گرایی انتقادی ⟶ خودبسندگی
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴.۰۶	۰.۴۲۸	منطقه گرایی انتقادی ⟶ مردم واری
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴۶۴۶۰	۰۶۱۸۹	منطقه گرایی انتقادی ⟶ پرهیز از بیهودگی

مقدار تی – استیودنت برآورد هر یک از ضرایب مدل از مقدار (۱/۹۶) بیشتر است، بنابراین می توان نتیجه گرفت فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ بصورت زیر تأیید می شود.

- با افزایش یک واحدی درون گرایی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۲۶۰ واحد افزایش می یابد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

- با افزایش یک واحدی نیارش، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۱۵۵ واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحدی خودبسندگی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۲۹۴ واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحدی مردم واری، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۴۲۸واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحدی پرهیز از بیهودگی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۶۱۸۹ واحد افزایش می یابد.

اولویت‌بندی موانع منطقه‌گرایی انتقادی با استفاده از آزمون فریدمن

جهت رتبه بندی هر یک از موانع توسعه پایدار، از آنالیز واریانس غیرپارامتریک فریدمن استفاده شده است. نتایج رتبه بندی در جدول شماره چهار نشان داده شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

	میانگین رتبه ای	رتبه
درون گرایی	۴/۷۱	۱
نیارش	۴/۲۷	۳
خود بسندگی	۳/۲۲	۴
مردم واری	۳/۱۹	۵
پرهیز از بیهودگی	۴/۶۷	۲

همانطور که مشاهده می‌گردد ترتیب اولویت موانع منطقه گرایی انتقادی از رتبه یک به آخر به ترتیب عبارت است از: درون‌گرایی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری.

نتیجه‌گیری

منطقه گرایی انتقادی بعنوان رویکردی در اتصال دست آوردهای مدرن و پست مدرن معماری با خصوصیات بومی گرایانه شایع شده است. با توجه به مطالب این مقاله چنین استنباط می شود که هدف از منطقه گرایی توجه به ویژگی های بستر سایت و محیط بومی آن می باشد.

در دوره کنونی، نگرش منطقه گرایی انتقادی می تواند جنبه های انعطاف پذیر خویش مبنی بر گرایش دیدگاه طراحی ساختمان بر اصول اجتماعی و فرهنگی منطقه را نمایان سازد. این بینش بین زندگی مدرن و ویژگی های اکوسیستمی و زیست محیطی پیوندی مستحکم را به منظور افزایش رضایت استفاده کنندگان از بنا و ساختمان، به ارمغان می آورد.

فرهنگ هر منطقه جزیی از اصالت آن بوده و احترام به فرهنگ ها در یک فضای تساهل و تبادل متعادل می تواند کمک شایانی به پایداری توسعه، اقتصاد و معماری نماید. اصالت آثار معماری بازتابی از ارزش های ملی و پیشینه تاریخی آن منطقه است.

همانگونه که ساخت بناهای جدید به سبک معماری پیشینیان می تواند باززنده سازی آثار تاریخی قلمداد گردد، همانگونه هم ساخت آثار مدرن و پست مدرن در جوامعی با سابقه تاریخی و پیشینه فرهنگی کهن، می تواند پیش سازی قرون آتی قلمداد گردد. از این رو معماری به سبک و سیاق منطقه گرایی انتقادی می تواند پلی میان سنت و مدرنیته در معماری قلمداد گردد.

در این مقاله تلاش گردید با استفاده از بررسی و آزمون رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل اصول معماری ایران (درون گرایی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری) موردنظر مقاله، منطقه گرایی انتقادی مورد آزمون استقلال یا وابستگی قرار گیرد. از دیگر هدف های این مقاله رتبه بندی متغیرهای اصول معماری ایران در راستای توجه به رویکرد منطقه گرایی انتقادی با توجه به داده های قابل دسترس بود.

این مقاله به هدف خود دست پیدا کرد و موجب گردید که طراحان و معماران در جهت رسیدن به اهداف خود که طراحی بناهایی با رویکرد منطقه گرایی انتقادی است از اصول معماری ایران و منطقه گرایی تحت اولویت رتبه بندی شده، استفاده کنند. که میزان و تأثیر و نقش هر یک از اصول در جهت نیل به این هدف مشخص گردید و بیشترین تأثیر را خودبسندگی و درونگرایی و کمترین تأثیر را نیارش و فن ساخت داشت که می توان این نتیجه ی مهم را گرفت که سازه و تکنولوژی و روش های نوین ساخت کمترین تأثیر و مانع را در نیل به هدف منطقه گرایی دارد و بدان معناست که می توان اصول معماری و اصالت معماری را با به روز ترین تکنولوژی ارائه کرد بدون اینکه از اصول منطقه گرایی خارج شد. و این همان حفظ اصالت و فرهنگ زمینه با بیان جهانی و مدرن است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]

پی‌نوشت ها

۱. Critical Regionalism
۲. International Style
۳. SPSS نام یک نرم افزار آماری است که برای تجزیه و تحلیل آماری، خصوصا تحلیل نتایج پرسشنامه‌های تحقیقات میدانی و همچنین آزمون فرضیات تحقیق و پایان‌نامه‌ها استفاده می شود.
۴. Post Modernism
۵. Symposium
۶. Henry Russell Hitchcock
۷. Modern
۸. منطقه
۹. Lewis Mumford
۱۰. فولکلور یا باور عامیانه را می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه، رسوم دانست. فولکلور از دو کلمه انگلیسی فولک به معنی توده و لور به معنی دانش تشکیل شده است.
۱۱. Globalization در زبان انگلیسی برگرفته از واژه Global به معنی یکپارچه، سراسری و جهانی است.

فهرست منابع

۱. ابل، ک. (۲۰۰۸). معماری و هوّیت، ترجمه فرح حبیب. نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. تهران، چاپ اول.
۲. اقدامی، الف.،و قاسمی،م.(۱۳۹۶).طراحی مجتمع تجاری، فرهنگی با محوریت معماری زمینه گرا نمونه موردی در بافت سنتی کرمان. پنجمین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین درحوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، صفحات ۶۷-۶۰.
۳. بایزیدی، ق.،و اعتصام، الف.،و حبیب، ف.، و مختاباد امرئی، م. (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه های منطقه گرایی و سیر تحول آن ها در معماری معاصر. نقش جهان، صفحات ۷-۱۸.
۴. پیرنیا، م. (۱۳۸۳). سبک شناسی معماری ایرانی. انتشارات سروش دانش، تهران، چاپ بیستم.
۵. تولایی، ن. (۱۳۸۰). زمینه گرایی در شهرسازی. مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا. دانشگاه تهران، شماره ۱۰، صفحات ۲۱-۱۳.
۶. جودت، م. (۱۳۸۱).ریشه های معماری مدرن، منطقه گرایی جدید. فصلنامه معماری ایران (ما). دوره سوم؛ شماره ۹، صفحات ۱۰۴-۸۲.
۷. حسینی، الف. (۱۳۹۰). تبیین و تدوین گرایش های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران. مجله هویت شهر. شماره ۸، صفحات ۲۶-۱۷.
۸. حسین زاده دلیر، ح. (۱۳۸۹). برنامه ریزی ناحیه ای. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). چاپ نهم، تهران.
۹. دیبا،د. (۱۳۷۹). گفتگو کنت فرامپتون/داراب دیبا. مجله معماری و شهرسازی. صفحات ۶۰ – ۶۱.
۱۰. فروتن، م.،و دژدار، الف.، و دانا، م. (۱۳۹۲). بررسی تعامل معماری و بستر فرهنگی با رویکرد منطقه گرایی انتقادی. کنفرانس بین المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، صفحات ۳۸-۲۲.
۱۱. قبادیان، و. (۱۳۹۰). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، چاپ بیست و پنجم.
۱۲. کامل نیا، ح.،و شایان، ح. (۱۳۸۷). منطقه گرایی و چالش های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم. نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۹۰-۹۱، صفحات ۱۵-۱۰.
۱۳. کشاورز، ف.، و کمالی نژاد، ر.، و صافی، م. (۱۳۹۴). الهام گرفتن از معماری ایرانی. کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. شماره ۶، صفحات ۵۶-۴۵.
۱۴. گروتر،ی. (۱۳۷۵). زیبایی‌شناختی در معماری. مترجم: جهانشاه پاکزاد وعبدالرضا همایون. نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپاول.
۱۵. سراج‌الدین،ا. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر منطقه‌گرایی‌در معماری مساجد. ترجمهٔ سعید نوری‌نشاط، فصلنامهٔ هنر، شماره ۳۳، صفحات ۶۳-۵۴.
۱۶. شایان، ح.،و عینی فر، ع.، و دیبا، د. (۲۰۰۸). معماری در زمینه ی بیگانه تحلیل نظریه ی منطقه گرایی تعاملی در تجارب دهه های ۶۰ تا ۹۰ میلادی معماران غیر بومی درکشورهای حوزه ی خلیج فارس. پایان نامه دکتری معماری، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صفحات ۶۰-۴۹.
۱۷. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). گزینه ای از معماری : معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران، چاپ اول.
۱۸. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). ریشه های معماری مدرن. ترجمه محمدرضا جودت، انتشارات شهیدی، تهران، چاپ سوم.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.28.4.6]

۱۹. لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). مترجم علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم.
۲۰. مهدوی نژاد، م، ج،.و محمدعلی خبری و عسکری مقدم، ر. (۱۳۸۹). هوّیت معماری، تبیین معنای هوّیت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. نشریه هویت شهر، شماره ۱، صفحات ۱۲۲-۱۱۳.
۲۱. میرمقتدایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت شهرها و ارزیابی هویت کالبدی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحات ۲۲-۱۷.
۲۲. نسبیت، ک. (۲۰۰۱). نظریه های پسامدرن در معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران، چاپ هشتم.
۲۳. ویتروویوس. (۱۳۹۱). ده کتاب معماری. ترجمه ریما فیاض، دانشگاه هنر، تهران، چاپ اول.
۲۴. هلد، د. مک گرو، آ. (۱۳۸۲). جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
25. Berger, P. Thomas, L. (3885). The Social Construction of Reality, Harmondworht, Penguin.
26. Curtis, W. J. R. (1986). Toward an authentic architecture, In: MIMAR: architecture in Development, 19:24-31.
27. Curtis, W. J. R. (1996). Modern architecture since 1900, London/New York, Phaidon Press Limited Inc.
28. Frampton, K. (1981). Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance, In: Foster, H. (Ed.), The Anti Aesthetic Essays on Postmodern Culture, London, Pluto Press.
29. Frampton, K. (1987). Ten Points on an Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic, Austin: Texas, University of Texas press.
30. Heidegger, M. (1971). Building, dwelling, thinking. In: Poetry, language, thought New York, Harper Colophon.
31. Hurrell, A. (1995). "Regionalism in Theoretical Perspective", in Louis Fawcett and Andrew Hurrell, eds., Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order, Oxford and New York, Oxford University Press.
32. Kelbaugh, D. (1986). Towards an Architecture of Place, Arcade.
33. Kostof, S. (1995).A History of Architecture Settings and Rituals, New York, NY: Oxford University Press, pp. 19.
34. Miller, D. (2002). The regional governing of metropolitan America, West View Press.
35. Lawrence, R.Z. (2003). Regionalism, Multilateralism and Deeper Integration: Changing Paradigms for Developing Countries, in C. Roe Goddard, P. Cronin and K. Dash, eds., International Political Economy: State –Market Relations in a Changing Global Order, Basingstoke: Palgrave.
36. Ozkan, S. (1985). Introduction - Regionalism within Modernism. In Regionalism in Architecture, edited by Robert Powell. Singapore: Concept Media/The Aga Khan Award for Architecture 8-16
37. Palmer, Norman, D. (1991). The New Regionalism in Asia and the Pacific, Lexington: Lexington Books.
38. Recoeur, P. (1965), Universal civilizations and national culture". In: History and truth, Evanston, Northwestern university press.
39. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1981) The Grid and the Pathway: An introduction to the work of Dimitris and Suzana Antonakakis, Architecture in Greece, 15:164.
40. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1990). Why Critical Regionalism Today?, Architecture and Urbanism (A+U) Journal, 236(May) :22-33.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.28.4.6]